

نویسد

شماره ۲۱ - شنبه ۲۰ اسفندماه ۱۳۵۶ (وابسته به حزب توده ایران)

سلسله مقالات «نویسد» دربارهٔ ویژگیهای جنبش کارگری ایران
وقتی روشنفکران انقلابی و مبارزان مارکسیست در خیابان تن (۲)

مبارزات صنفی طبقه کارگر

رابطه برتری برتری و موجب می شود که جنبش کارگری با مبارزه اقتصادی آغاز شود. چنین می گوید:

«مبارزه صنفی یکی از بدیده های دائم و ضروری در تمام سرمایه داری است و در تمام لحظات برای جنبش کارگری حقیقی است.» (مجموعه آثار، جلد ۱۷ صفحه ۱۸۱)

مبارزه صنفی و اقتصادی، بعد از تئوری برای تئوریست های هر کارگری باید این طور برآید. باید فنون جنگ های سیاسی آینده را که با سر نوشت او در آینده است در این مدرسه فراگیرد. باید در این دست و پنجه نرم کردن ها و کشمکش های مطالباتی، انتخابات ها، طرفداری و تفریق خود را کند، استعداد های خود را بیابد و برای هم که آشنایی بصحنه های تاریخی آید پیدا شود.

مبارزه صنفی شکست است که رشد آگاهی طبقاتی را تسهیل می کند و در روند آگاهی و خودمبارزه داری و کارگری می انگیزد. پیشوا خردمند اکثری می آید:

«سازمان های کارگران برای مبارزه اقتصادی باید سازمان های صنفی باشند. هر کارگر سوسال دیگسرا تا (۱) کوک نینتم باید در حدود امکان خود به این سازمانها بپیوندد و رساند و وحدت در آنها فعالیت کند. ... بگذرد هر کارگری که به ضرورت اتحاد برای مبارزه طبقه کارگر با بیان و ولایت می یابد در اتحادیه صنفی شرکت می کند.»

همچو طبقاتی به اندازه طبقه کارگر اتحادیه تشکیل ندهد. اما این طبقه برای تشکیل گروه و شور و بر سنگلاخی را می بپایند. طبقاتی استوارتر در برابر تشکیل کارگران متحد دیده می آید. آرزوی وضع قوانین ضد کارگری، بهرگز و هرگز کارگران را به همال کردن آزادی های سندیکایی، سرکوب اتحادیه های واقعی و ایجاد اتحادیه های که توسط دست نشاندهگان بنس و کارفرما اداره می شود، از جمله سامانی است که برای تفرقه صفی کارگران و پیشگامی تشکیل آنان به کار گرفته می شود. برانداختن موافقی که طبقاتی استوارتر و دولت آنها در برابر مبارزه یکپارچه و واقعی بخش کارگر

شناخت، حواص و اشکال گونه گون مبارزه طبقاتی و دولتی است. اصلی ترین آموزش انقلابی مارکسیسم - لنینیسم است. این منظر گامی است به روی تئوریست ها که گاه در بنیادی ترین پایه های اقتصادی و در زیر پرده های عیب و دوام و غیرمربوطان می باشد. گاه به صورت خودی و بری و زست بریزه و جامعه را در می نوردد. هم در آن جنبه کم رویت و استتار شده و بهر آن حالت انحصاری و هرمان مبارزه با بنیادی کارگران با در می نوردد. آنچه است اشکالی از این مبارزه عام کارگران اشکال دیگری می شود. اشکالی عالی تر از اشکال قبلی فرای رده بردن عناصر سیاسی و حرکت طبقه حضور اجتماعی و نقش تعیین کننده آنها فراتر می رود.

مبارزه طبقاتی بیرونشمارا سه عرصه اساسی دارد:

- ۱- عرصه اقتصادی
- ۲- عرصه سیاسی
- ۳- عرصه ایدئولوژیک

هر یک از این سه عرصه ویژگی ها و کیفیت متمایزی دارد. هر زمانی که این عرصه ها را از هم جدا می کند همان مبارزه نامرئی بلند است که باید به دست مبارکسیست ها از جان بر داشته شود. برای فرود بردن این مبارزه که اشکال ترین سبب واقعی بخش خلق فریاد است آن محور سراسر است. باید طبیعت و صنعت و خود و تقویر هر یک از این عرصه ها را به درستی درک و باز شناخت. رابطه دینوی انسان سه عرصه و نقش هر یک از آنها در آمیختن و پیوند هر چه بیشتر و همگام آنها، الفبای جهان صنفی مارکسیستی است.

۱- مبارزه اقتصادی کارگران

هدف و انگیزه مبارزات اقتصادی (صنفی) سندیکایی و توده ای (تئوریک) بهبود شرایط کار و زندگی کارگر است. مبارزه اقتصادی در واقع همان تئوری مطالباتی طبقه کارگر است که تا انتخاب سراسر می رود.

دفاع از منابع زود و اقتصادی برای تمامی کارگران - حتی بی تحریر ترین آنها - نه فقط قابل درک، بلکه حاد به انگیز است. این چه به بویختن فقر مبارزه اقتصادی که آمادگی و توان سرمایه

بگذار «او» عوغو کند...

شاه در روز دهم اسفندماه در کنگره آشنائی زنان و عیواری - ماهی که نور می آید و مرد را به سگی که موعود می کند تشبیه کرد. او در آن سخنرانی مسی و سرپا ایستاده و آهسته به جین و تپه دید و چشم و استهصال از رخ که به گردن سبب دارد و هوا و نعمت و می خرداند از این که به طاعت بچسبده و سخن گفت و سرانجام بلست حق نشناسی را که مویاب این همه فدای کارگری زحمتورنج شبانه روزی و باشت های گره کرده و مو تن در غم و تیریز و تظاهرات اوج گرفته در سراسر کشور و تنگنای آشنائی زنان و محافل و ساحب و کوجه و میابان و سبب می دهد و سگی که موعود می کند و عطفاً کرد!

از همه بگفته اند: «سنگ را که برداری سنگ پارس می کند.» سنگتاک در آن شب المثل های مردی و چه تیره و حفرقت زنده ای نهفته است. درست در مجموع کشتی های آسایشی تظاهرات اعتراضی و برخواستن اوج عظیم ناراضی و خشم خود با او سنگ هار امیرالیمس، عرو شاهانه و حنور آسایشی و آسود آمد است حق با ایست. بگذار تا نابار می کند و فریادش باشد. این شروع شنج مرگ و علاجی است. وقتی که پای شتاب به میان می آید و شتاب آست که جتی تبلیغ و دروغ و شامورتنی بازی و نمایش های فلا بسی تا تیر خود را به کشتی آرزوست در انداختن و تفریق آب شده اند. از شاه در برابر هجوم سراسر آرزو و حقایق جز فحش و تهمت و بداند آن گروه رفتن و پایه زمین کوفتن و کاری ساخته نیست. او می داند که حنای تیز و برتری و رشده و واقعیت زندگی نقش بلند و خد ملی بین لیاقتی و فساد و بیگاری های انسانه اول و ایران و اصلاحش را با نمره های کوششش در هر گوشه کشور یافت کرده است. این همه عسای خلق را که به صوت هزاران سوال بدون جواب در هر خانه و هر اداره و هر کارخانه و هر دانشگاه و هر کانس و اجنتی شکل گرفته می شود. او می داند که مردم می داند به برگردان و به شک و خود فروخته و غارتگر آریامی و در روی بزرگترین کمیته ها و ناخبر طلای و پایه و ایرانیم و سر و سرب و زغال سنگ و نعمت و شرف های طری می شمارد و مثنی فلز زنده با الهانوس از مشکلات و تاراجی ها و مسروبت های بیاد می خورند و گنگبار می رود. او می داند که مرد می داند ثروت های نانی حکم حنا و مصالح امیرالیمسها می جهانمبار تبدیل به گوله و سلسل بنانک و بدین تیرین هراسی و دنباله در صفحه ۲

به مناسبت هشتادم مارس (۱۷ اسفند)، روز بین المللی زن

«نیمی از بشریت» باید آزاد شود!

روز آزادی کامل بشریت آنان بدین نخواهد بود. چنین می گوید:

«انقلاب سوسیالیستی می تواند عملی شود و اگر حکومت بزرگی از دست نشانگان زن در آن سهم قابل توجهی نداشته باشند.»

مگر بشریت شرقی می تواند از نیمی از وجود خود صرفی نظر کند و نیمه ای که بدین آن تحقیر آریامی و والای انسانی و اجتماعی فرسنگ است؟

ما در دورانی از تاریخ زندگی می کشیم که همین اساس آن قدر از سرمایه داری به سوسیالیسم است. بشریت زحمتگر در کارهای اشکال آن حنا جامعه نیستی است که تمام ادوار گذشته تاریخ بشری را به ما قبل تاریخ می یابد و همراه آن هرگز نه سبب طبقاتی و ملی و نژادی و جنسی را از عرصه اجتماع می زداید. پرچم در آن روز آزادی باشد. برولیناری در آستانه زوری لایزال آن ارتش عظیم و ملیونی همه زحمتگشان و ستمدیدگان است. جنبش آزادی خواهانه زنان و گسه نیمی از بشریت را تشکیل می دهند و بخش مهم و گذشته ناپذیری از این تئوری عظیم تشکیل می دهد. به خوبی که بدین آن تحقیر



برای گسستن زنجیرها بیا خیزیم!

در دانشگاهها چه میگذرد؟

تهاجم فاشیستی

به دانشجویان پلی تکنیک

دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک تهران به عنوان اعتراض به کشتار وحشیانه مردم دلاوری صلاح تبریز و همدردی باخلفی قهرمان آزادیخواهان روز هشتم اسفند دست به اعتصاب زدند و از رفتن به کلاس خودداری کردند.

کار همیشه مستقر در دانشگاه برای مردم شکست امن اقتصاب به دانشجویان حمله ور شده اما حتی تعداد دانشجویان به مراتب بیشتر از افراد کار بود این بورژوازیها با کشتار و تیراندازی در دانشگاه دانشجویان حمله ور شدند و راه را هم گرفتند اما جانانهای ایران در این روزها شکست امن پرورش نگارند دانشگاه از این فتنه‌های کک کک کرد و چند لحظه بعد تیرازهای جمعی به دست و تاقاب به چهره با چنین بوس و روی و پلای وارد دانشگاه شدند و دانشجویان اقتصابی را محاصره کردند. گذرد پس از آن که مطلق شد برای دانشجویان راه را برای باقی نمانده است به داخل ساختمان و کلاسها و هر کس که کاری که گمان می برد در آن دانشجویی مانده باشد سرک کشید و تمام دانشجویان را در محوطه محاصره شده جمع کرد و وسیله بیابری گزیده های دشمنی پرتو زیم با چاق و باتوم همان دانشجویان را آتاکند. تعداد کارگران غیر زیاد بود که به گناه دانشجویان در برابر هر دانشجو دو مهاجم قرار گرفته بود.

مهاجمان پس از خروج کردن در هوا دانشجو و شکست سرد دست و پستی و پای آنها با پندید به اداه کله دانشجوهای را وارد آشفته به شو و سرپا زانده های شاه با سلاح کلاچ بی پروا شد اما این روزها فاشیستی هم آشفته کرد در حالی که با ترم هارویهای ها را به علامت تهدید به محالی سر و دانشجویان گرفته بودند. و اعلام داشتند تا همه نگویند "حارود شاه" کلاچ و باتوم اداسه خواهد داشت. اما دانشجویان و اهالی آزادی کلاس سر و روشها خون جاری بودند به این خوار شدند و هر کس که در موقی می شدند محاصره گاردرانشکند و خود را به حیایان اطراف پوسانند از پشت جمله های دانشگاه فریاد "مرگ بر جلادان" و "آرامبرکت باد" را می دادند.

گزارش های رسیده از مجموع شدن در هوا دانشجو و صابریز دانشگاه پلی تکنیک در جریان بورژوازیهای درنده شاه به اینست دانشگاه حکایت دارد.

نامه اعتراضی استادان پلی تکنیک

استادان دانشگاه پلی تکنیک تهران که در جریان بیژن گراز ها به این دانشگاه حمله و ضرب و شتم و چشمانه چاه افرازان و رسم قرار گرفته بودند و نامه ای اعتراضی به رئیس دانشگاه نوشته و همین حکوم کردیم و سیر در نشانه پلیس به دانشگاه و به خون کشیدن اقتصاب مسانست آرزو دانشجویان اعلام داشتند باید سبب این بوش و حواسی حرمه زودتر تسویه شوند و از استادان دانشگاه کواز عروای چاقی گز به های حکومتی در امان نمانده اند و سفند و شواهی شود.

دستگیری دانشجویان دانشگاه فردوسی

اخبار رسیده از مشهد حاکی است که دستگیری دانشجویان دانشگاه فردوسی در سطح گسترده با آغاز شده است. نسوه دستگیری این صورت است که است دانشجویان فعال در اختیار گارد دانشگاه قرار داده شده و رئیس گارد هم در خوابگاه دانشجویان که در محل دور افتاده ای از شهر قرار دارد، تنه نلد دانشجویان را هنگام ورود به بهانه ای به دفتر کار اداری کدو می سرورده آنها را تحویل ساواک می دهد.

تظاهرات دانشجویان در خیابان های تهران

دهها دانشجوی دانشگاه پلی مروزی سوم اسفند بوقی شدند در خیابان امین الملک واقع در جاده فریب دست به بله سلسله تظاهرات بزنند و چهره مهیب شاه دیکتاتور و الزامی بلندگو های تابخانی روزم برای کارگران ساکن این خیابان افشا کنند. اکثر ساکنین این خیابان را کارگران زحمتکش آذربایجانی تشکیل میدهند و به همین دلیل دانشجویان با خود پلاکاتی حمل کردند که روی آن نوشته شده بود: "درود خلق های ایران به شهیدای تبریز" تظاهرات طبق فرار قلی حد در یک ربع اداه داشت و سپس دانشجویان عمل از سر رسیدن گراز های مهاجم شاه پراگنده شدند.

تظاهرات دانشجویان در زاهدان

به دنبال طعنان قهرمانی مردم تبریز که توسط پلیس و ارتش شاه به خون کشیده شد در زاهدان مردم به نشانه همدردی بسا خانزاده های هزار لژیونری دست به بله سلسله تظاهرات زدند. دانشجویان دانشگاه سیستان بلوچستان برای آبراز همدردی اقتصاب کردند اما این اقتصاب با هجوم پلیس به دانشجویان و سرور شد. دانشجویان برای دفاع از خود با افراد گارد در دانشگاه گلایز شدند و سرانجام این هجوم در نشانه ضربه خسارات سنگین به ساختمان و تاسیسات دانشگاه و سرور شدن در هوا دانشجو شد. در جریان این تظاهرات و اقتصابات پلیس تعدادی از دانشجویان دانشگاه سیستان بلوچستان را دستگیر کرد. طبق گزارشهای رسیده به دنبال حمله خونین پلیس و گاردها به دانشجویان دانشگاه سیستان بلوچستان دانشسرای مانی زاهدان نیز محال نیست محاطل در آمد و پلیس و ارتش در تمام نقاط حساس تشریح کردند تا بسا تظاهرات ضد دیکتاتوری و آزادیخواهانه مردم مطالعه کنند.

اعتصابات دانشجویی در کرمان

دانشجویان دانشگاه و مدرسه عالی ایروان کرمان به عنوان اعتراض به اخراج تعدادی از دانشکلا سر هایشان هفته گذشته دست به اعتصاب هنگامی بیکار شدند از حضور در کلاس درس خود داری کردند. دانشگاه به اشاره ساواک این دانشجویان راه بهانه شرکت دانش در تظاهرات اعتراضی اخیر این دانشگاه برای محکوم کردن گناه باران کردن مردم دم و تبریز اخراج کرده است. دانشگاه و مدرسه عالی ایروان کرمان تقریباً تمام هفته گذشته را در محال اقتصاب گذرانده است. طبق گزارشهای رسیده در حرسان اقتصابات هفتگی که شده دانشگاه و مدرسه عالی کرمان از این اطلاعات مدرسه عالی ایروان کرمان به آتش کشیده شد. هنوز از تعداد دانشجویان احتمالی این اقتصاب خبری رسیده است.

شاه در نقش نوکر ارباب کلوتر

اخبار رسیده از شروز حاکی است روز ۲۹ بهمن در شروز اعتراض گسترده توده ای شهر به حال نه تعطیل در آذر گروههای مختلف مردم در خیابانها به راه افتادند. دانشگاه نیز نه تعطیل شد و نبراه اعتراض به دانشگاه ها و خوابگاهها در شروز پوشانند. در خوابگاه ارم که دانشجویان در آنجا و خوابند، پیشاپیش دانشجویان در پا گذرد بزرگ حرکت داده می شد که روی یکی از آنها یکس شاه خائس روی دیگری همگرا تره امن مانده نبودند ترین خونیستوران امیرالاستمسئله شده بود. دانشجویان با الهام از نمایشان ارباب پینتلا و تیگز شمانی، که همان روزها در شروز احراری شده روی همگرا تر نوشته بودند: "ارباب پینتلا و روی همگرا تر خائس هم نوشته شده بود تیگز شمانی". در دانشجویان به این ترتیب بسا الهام از نمایشان "ارباب پینتلا و تیگز شمانی" فقر نویسنده و اسانده وست و شرفی و بی توکل پرست نشان داده بودند که از هویت شاه آگاهند و می دانند که اولفا و نظف و مانند مانی "به شخصیت نمایشان پرست و تیگز سو سرورده سرگرده فرتیگران آقایی کاترسر است.

مبارزه استادان دانشگاه جندی شاپور با شرایط اختناق

تین از استادان دانشگاه جندی شاپور (اهوان) از بدتو پیشه، مبارزه با شرایط اختناق که بر دانشگاه حاکم شده است، برخاسته اند. استادان و دستفرو ترفی خواه که این اختناق پلیسی را معایر و روح دانش و تحقیق می دانند و بحسب آن را در مورد گارد های انتظامی دانشگاه می باید، عمل نامه ای خواستار اختراع گارد از محس دانشگاه شده اند. آنان در این نامه تاکید کرده اند که در شرایط موجود زیر سلطه پلیسی به استادان دانشجو اینی ندارد.

فترت استادان دانشگاه جندی شاپور به دنبال واقعه ای که چندین پیشتر در دانشگاه علوم این دانشگاه در شکل گرفت و آنگاه توسعه یافت. در این حادثه بر اثر هجوم گاردها به سه دانشجویان در کتابخانه دانشگاه و صحن کلاسها بعد از زانی از دانشجویان مجروح و همدرد شدند. گاردها و خواستند به زور و دانشجو یاتی را که به عنوان اعتراضی به استبداد سیاسی حاکم بر کشور و دانشگاه کلاسها و ساختمانها را ترمیم کرده بودند به سر حمله امتحان بیزند. اما در این هجوم بیروشنانه و نه تنها بر نفرت دانشجویان و عزم مبارزه آتیبادان زدند بلکه ششم استادان را نیز بر انگیزند. استادان که در دردتا گردان خود شریکند، همدای اعتراض خود را با صدای سوزنده و بیوان آنها در آورده اند.

پیروزی دانشجویان ساری

دانشجویان مدرسه عالی کشاورزی ساری برای اعتراض به جلوگیری از فعالیت های صنفی شان دست به اعتصاب بیکارچیه زدند و در حالی که در دانشگاه حضور می یافتند سرکلاسی می کردند. دانشجویان در تمام مدت در حالی گذشتند خود را حفظ کردند و در تمام به یکدیگر مبارزتی کردند نگارند که بهانه اقتصاب به دست پلیس بدعت. در دستوران دانشگاه در مردم جمع شدند و ارجاع به فعالیت های صنفی بحت می کردند. مقامات مدرسه عالی سرانجام در برابر خواسته های خود دانشجویان به ناچار تسلیم شدند و حاضر شدند به تمام خواسته های دانشجویان رسیدگی کنند. نتیجه این اقتصاب و سرسریک در ارتش و مجید دیکتاتوره های دانشجو، سلف سرسریک (به بدورت دانشجویان) و اما قی که هتوروری و احیای نشریه دانشجویان بود.

تظاهرات دانشجویان ایرانی در آمریکا

دهها دانشجوی ایرانی در امریکایه افتخار آریامیسری در امران دست به بله سلسله تظاهرات زدند. تظاهرات در شهر روز در ایالت لوئیزیانای امریکا برگزار شد و پلیس امریکا گراز اشک آری به دانشجویان آزاده مجواه امران حمله کرد. طبق گزارشی که را در بو لندن منتشر کرده است پلیس هم به بله تظاهرات کنندگان را دستگیر کرده است. دانشجویان در این تظاهرات علیه دیکتاتور سیاستهای ساریا که چون بختی روی امران سایه انداخته است شعور دارند و کله امیرالاستمسئله امریکایه در زمین رویه فضای شاه محکوم کردند.

ممنوعی خلق های مابه خاطر حقیقتا بزرگن سیاست پلیس اختناقی و هغه طلی رژیم شاه - ساواک شد و تعطیل بازارها و اقتصابیات روز افزون کارگری و تظاهرات وسیع توده ای، مطنیان ها و مستیز کائین ها و احزاب و اصناف، در راه انجمن حقوق صنفی و آزادی های دیکتاتیک و حکومتی از دستبرد های حکومتی حفری طت و افسال بر شور و شوقی مردم از سازمانهای صنفی و سیاسی مخالف و رسم مطلقه و تظاهرات با تکیه و تکیه شدند و خشم و عزم مظلومت توده ها در تمام محاسن تبریز و همسان به خون تریه، دم و کارگران و دیگر شهرها و نشانه های اعتراض روزم رسیده ای هستند که چون حرماسی های متفق، هوای تازه و نسیم زندگی بر آن می وزد. شاه حق ندارد بلریزه، شاه حق ندارد موهوم که حق ندارد برای مردم خط و نشان بکشد و آنها را زیر زور کار نامزای بگیرد. هر چه باشد نتخ های آخرین لحظه های حیات و در درگاه و بر شکسته است. خلق سنگ های درشت برداشت. که فرستاده موهوم کرد...

حوادثی

که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد

از گوشه و کنار کشور

کازرون عزا دار است

اخبار رسیده از استان فارس حاکی است که کازرون و شهر کوچک و دلفر فارس که در سر راه شیراز به پیش قرار دارد و روز ۲۹ بهمن چون بسیاری از شهرهای همین اسو ماه خن کشیده شد. مردم کازرون سواقی انقلابی درخشان دارند. در فلورین باره کازرون می گویند:

"ناجند روزی همه از گردنای تنگن امیرالهیستی ۳۸ برادر مردم کازرون تسلیم نشده بودند و فریاد آزادیخواهی می دادند. در صبح هم به تلافی در سالیهای اسلوت با پیر از کودتا، این شهر را در سبست گذاشتند و کجیگترین تومسی به آن نگرد. حتی برای این که کازرون از سبزوایط بازرگانی بیرون بماند و جاده شیراز-بوشهر را که باید به طور طبیعی از کازرون می گذشت، از چند کیلو متری آن عبور داده اند. کازرون و شهر دلفر ستم ندیده، از پیش آمانده نبودند با رژیم شاه - ساوانه شده بود. سواقی مبارزه انقلابی مردم راه این واقعیت آگاه کرده بود که مارتنیک، حاکم و از کشتار سبزم در این روزها، در نماز ها، نام ها پند ها و مخصوصا در اطراف میدان "خبرنامه که تنها مرکز تجمع شهر است، مکرر زیاد می سنگ جمع آوری شده برای هنگام نبرد تومسی شده بود. صبح ۲۹ بهمن برادران در میدان خوات جمع شدند و آنگاه فریاد کشیده و آهنگ از فرزند و کس نسبت به رژیم استبدادی و ضد خلق شاه آنگاه بود و در همه شهر مظهر شد. گنگارهای سواره به مردم یورش بردند (اما مردم خشمگین به دستور آمدند و تاجم در تن را بستند و پاسخ دادند. کوی از آسمان سینه فرو ریخت. دشمن است از بخت و تاقی بد که سازگشت و به روی مردمی که آمده بودند تا کشورین جمع حیات خود را تنبیه کنند، آتش کشید.

مردم کازرون در تفرگشته و در میان نفر مخرج شدند. شهر کوچک دلفرمان و این روزها عزا دار است.

سقوط دلار و خیانت شاه

دلار همچنان سقوط می کند و قیمت آن در هر روز کلاسی و ولداتی روز به روز بیشتر می شود اما شاه در لیس با غلی حلقه به گوشه استاره امپریالیسم آمریکا و این دشمن بزرگ خلق هاجمت نفوذ است است نگید است است در دست در دست بگی دیگر از تومس ترین رژیم های رویه افکار جهان و یعنی برستان سمدوی تمام تاشک و روسهای کشور همسایگان تولید کنندگان نفت "اویک" را پیش برآید کند. روزانه السیاسه جایگرفت می نوسد "بازی ما دلار حشمان در صحرای پیش آورده است که در حقیقت باید گفت کشورهای نفت خیز در حال حاضر به آمریکا باج می دهند. این باج از کسبه سبزم کشورهای همسایه او یک به تومس ترین کشورهای پیشکش می شود. باید گفت روزنامه السیاسه از تم آخته است که این باج را حتی تومس ترین و تومس ترین بیژنالی تومس رژیم ها از جمله رژیم شاه بزرگ در ایران رژیم تومس و سواقی برستان سمدوی می دهند تا جزو حمایت تاریجران خیانتکار آریوز سوشال جمع نشود.

در این راه ما سقوط دلار هر سالگر خیرگراری تاریخیزان تومس خیر می دهد که کشورهای غیر سازمان صادر کنندگان نفت (اویک) از جمله ایران، بنفاسست نیز شدید تر از دلار در بازارین المطلق بیل بشود همسایگان تولید کنندگان نفت "اویک" را پیش برآید کند. در اداره به کشورهای سواقی در این است، تلفه شدن می به اقتصاد کشورهای سواقی می زند و بیار سنگین بر دوش میباید. نیز در این نیز دلار در در آید این کشورهای نفتی بخشیده و بیای کلاهای سواقی و از این رویه از این است.

سقوط قیمت دلار و پادشاه شاه و طن تومس به باری رژیم تومس برستان سمدوی برای ثابت نگه داشتن قیمت طبق اخباری که حتی روزی نامه های ایران صادر به ابتدای آن شده اند ۲ میلیون دلار تا ایران فروخته می شود و در ۱۲ میلیارد دلار و سواقی از واثق ماندن قیمت نفت تومس به گفته در سبزم اویک، ادامه سقوط دلار و کسب قیمت تولید نفت خواهد شد.

تظاهرات ضد رژیم در اصفهان

به دنبال کشتار حیوانی مردم آزادیخواه در قم و در روز شنبه ۲۹ بهمن ماه ششصد نفر اصفهانی به نشانه سردی و اعتراض به حال نیمه تعطیل در آمد و اکثر نماز ها و محرمه های بازار تعطیل شد اما سواکه به منظور تجمید و ازباج و معارضه های بازار ایران معترضین با نصب تابلوی "تخلف از مقاومت صفتی" بست و ضمه دارد اعتراض خود ملایزه مارا خراج کرده و پیرل آردا به نفع خود ضبط کند. اما علی رغم همه این دسایس طغیان خشم مردم فرو نشسته و به دنبال شن عام و هشانه مردم تیرمان تیریز و سراسر شهر اصفهان را اوضاع تظاهرات وسیع و پهای فراگرفت. گزارشگر ویژه از اصفهان خبر می دهد که در روزهای ۲۹ و ۳۰ آگوست ۱۳۵۱ آگوست ماه در این شهر کورگان، دانشجویان و دانش آموزان مبارزان و دیگر اکتار مردم در کورجیان چندگانه در بخش های مختلف شهر دست به تظاهرات وسیع و بی شوری علیه رژیم جنار و دلفر شاه زدند و سرنگونی این رژیم سبزوایط را خواستار شدند. تظاهرات بزرگانه استیزه مردم همچنان ادامه دارد. شدت و وسعت تظاهرات به حدی است که در تمام سواج شهر نیروهای پلیس و ارتش مستقر شده و حتی اکثر کارخانه ها کارگران که در این تظاهرات نقش مهمی داشته اند به دستگیری و زندان کشیده می آید و سواکه از این فرار گرفته اند.

تمثال شاه و فرح در شهرهای ایران

در یکی از شهرهای پیشین تومس و غیر از اینبار مردم دلفر و در آید مردم از تصویر شاه و اارویسند خوی تاجایی کرد و بوی امپریالیسم نشان می دهند که در شهرهای دیگر هم مردم "خبر شاه" و "سنگ شاه" به خیابان روانه کرده اند.

روز ۲۹ بهمن در خیران اتمام تومس های خوری (شهر کبچگی در فارس) ناگهان دوشم که یکی از آینه های شنگ شاه نیزنگ و دیگری به صورت فرح، همسر امپریالیست و آراسته کشیده بودند، در خیابان های تومس پدید آمدند. در حرکت توسط نشانم تحریک شده بودند، به سرعت می دویدند و خیابانها را که چه ها را پشت سر می گذاشتند. پادشاه سواکه در اینها هم سبب شده بودند مردم آید، در هر خرد می خود و همسرترا با تملیک کلوز این شهر روی به سوی جیم بزرگ بازمی آید. در روز دوشم و در همین روز مردم "سنگ شاه" و "سنگ خیابان فرستادند. تومس های در دلفر و پادشاه و سواکه عکس شاه جلا و همسرترا آراسته بودند. سبب شد این دو سگ هم مانند سبب تومس جلا تاخه از این شهر مرگ بود.

وحشت شاه از مردم

از آواز جوح جدید مامیان های خلقی در نقاط مختلف کشور بعد از مصادفان شاه حشمانگر خند برآور شده است. استفسار اینبار باری بود که شاه آدکشان جزاز به گوله بهشت مردم در قم و تومس و شهرهای دیگر ظاهر می شد. آورده بودند تا در مراسم روز به اصطلاح "اصطفا حقیق سبزم" به زنان ایران "اراجت میباید که نشسته را تکرار کند. در این مراسم ملا به بر سگ های براب همیشگی و در دسته سگ تازه هم به مرغان افزوده شده بود. دسته ای از این مرغان را که در جایگاه و بر جانگانه به طوطی ملا انگشتر می کشیدند بودند و سگ ها و بگی بگی شبیه سگ و بیلون همراه داشتند و دسته مردم کف های خوری حشمانگر زدند که کوی بزرگتر از یک کف دست می بود. سالک های که در دست مرغان حشمانگر زبانه دیده می شد و حشمانگر آخرین سلاح های بود که از این امپریالیست برای مرغان از توکو خرمخوار خود در مرغان فرستاد، بودند. حشمانگر جدید مرغانی آن جناب جلب تومس می کرد که در تمام طول مراسم سواکه حرکت کنندگان با انگشت و اشاره سر آینه را به بگی بگی نشان می دادند.

پاسخ دندان شکن معلمان

به مبلغان رژیم

رژیم و در خواب سنگین مرگ خود و هنوز دست و پا می زنند. نماینده های شاه به شهرهای مختلف می روند تا با سخنرانی های آجتیای تومس آوری و عقابیت کاذب رژیم خود گانه راه مردم حلقه کنند. خواب این باور ها ها خا پیویندند و شنا نیست.

خبر نگران نبود از شیراز گزارش می دهند که در هفته های گذشته و چندین از استادگان رژیم به این شهر رفتند و با آنها به همان ترتیب رفتار شد. حشمانگر فرار که در گله سبکسای رستاخیزی باری می کند و در جلسه ای برای معلمان اندر فوایسه حزب پو شالی رستاخیز صحبت می کرد. معلمان که بجز به جلسه آورده شده بودند، به عنوان اعتراض شروع به بیج و بیخه تفرق رفتن و رفتن کردند. صدای خرد زدن و خنده آن که بلند شد که دیگر صدای پارسیک دست آموز رستاخیزی به گوش کسی نرسید و از مجبور به ترک جلسه شد.

در جلسه دیگری که سبب بود تومس سازمان به اصطلاح دماضر نظامی بگی در کراژ آینه های سواکه و قصد تبلیغ و تومس رژیم پو سید آرا بر مردم را داشت همین وضع تکرار شد و سبب شد تومس در در حال که رنگ به چهره داشت و فریاد هایش نشناخته بود مردم پورا برساند. مردم راه بی سستولیش شدم و کوشش می کردند.

رژیم که این تومس ها خالق تراحا شاورده بود این بار در دیگر عامل تیرانی لایم تمام حزب ساراکی از برای تومس و تاج تومس به سواج فرستاد و تومس از به لمان و دانشجویان و آنگه تدریس می کنند. به زور و در جلسه سخنرانی جمع کرد. حشمانگر باور های غلطی به پایان رسید و تومس سوال حاشمانگر شد و ناگهان جلسه به در آگاه رژیم مندل شد. کسی که از این حاشمانگر بر می خواستند با شکر کرده و فریاد خشم از ساندیده شاه حاشمانگر می خواستند غلطی واقعی طغیان تومس از این است. جلسه چنان سنگین میباید کرد که حاشمانگر خشمور شده جز "ما سخن از اذیت و استیلا و سواج کشید و رژیم اعتراض می کرد که کشور های زندگین در تومس سبب طغیان مردم شده. در اینها تومس کشور را دیگر تومس و مردمی کرد و در بر ماست و اینها را حاشمانگر آید و دیگر در گفت که خود حاشمانگر معجزه پاسخ به هند غلطی حاشمانگر نیز بوده است. حاشمانگر تالی که به هند غلطی از تومس سواکه آمده بودند تا همکار و تومس و انگشتر کند (۱) می خواست اعتراض ایلوات کند و حاشمانگر را می ترساند. دیگر ساراکی آنگاه چند نفر ا حاشمانگر را به بلند کرد و به آنها دستور داد ملطوب تابع تومس را بگی بند. چند نفر در خواب امپریالیست به سبب تکرار تومس با حشمانگر و فریاد و مانگ بلند تومس ها را تومس کردند و گفتند که ستم بی پایان رژیم و غارت بی پایان تومس ها در تومس سبب طغیان تومس شده است. فریاد ها چنان طغیانی بودند که دیگر رستاخیزی و دیگر ساراکی دشمنان را روی کول نشان گذاشتند و به سواکه کسی دیگری رفتند.

اخراج و تصفیه کارمندان

در مؤسسات دولتی

در ادارات و مؤسسات دولتی رژیم دست به اخراج و تصفیه کرده و در این رده است و اخراج وسیع کارمندان ادارات و سازمانهای دولتی آغاز شده است. اولین گروه کارمندان از دانشگاه آزاد اخراج شده اند. تعداد کارمندان اخراجی بیش از ۱۰۰ نفر است. رژیم اخراج کارمندان را از کارمندان بیای آغاز کرد. در میان کارمندان بیای هم در دست همه اخراج شدگان و کسب و کارهای تومس و در دست سبب سیاسی دارند و در چند سال استراحت شده اند.

اعتصاب در زندان قصر

وتظاهرات مادران در جلوی دادرس ارتش

دریدارگاههای مخالفان توده‌ترین فرزندان باستان های کرده و طبقه ای سرشار از پیش به خلق یونان یونان باستان برادران ای آهنگن و دیگران و در شرایطی که اعتصابی داشته دار در زندان قصر حرمان در روزی در یکراشت در روزهای بلند آقا در کند . اعتصاب هادی برانگه ای که هر چند گاه یک بار برای اعتراض به شرایط امر انسانی زندان های شاه و می توانست حکم بر زندان ها شکر می گرفت اکنون چون حریف سرکش زندان صراحتی بر سر گرفته است . اعتصاب زندانیان بند های ۱ و ۲ زندان قصر که با خود درونی زندان انبیا از ملاقات با اقوامشان سرپوشیده بوده اکنون به نام بند های زندان قصر گسترش یافته است . زندانیان شاگرد از کفرند و درونی خود درونی می کنند . این خواسته برای ادا صحت حیاتی اعتراضی خود به خارج زندان در هر ماه از ملاقات با اقوامشان آنها سبقت کیفیت زندان . اجازه ملاقات به اقوام درجه دوم و پایان بستن به حد و بیشتر قابل تحمل و در کتاب و تشریفات سزا به زندان فرار از زندان انبیا اعتصابی صبر برای راستی بافت اعتراضی خود به خارج زندان در هر ماه از ملاقات با اقوامشان خود درونی کرده اند و به این ترتیب پدران و مادرانی که در محله های اخیر برای ملاقات عزیزانشان مراجعه کرده اند در محله های راه بار سوال گرفته اند . در چند هفته ای که اعتصاب ادامه دارد در روزهای ملاقات بارها زندانیان به انعام مختلف از ۱ و ۲ در پاسخ قانع کننده به پدر و مادرها طفره رفتند اما بالاخره تا چاهی اعتصابی شدند که زندانیان اعتصاب کرده اند .

به دنبال به ملاقات خبر اعتصاب در زندان در چند روز از مادران در مقابل دادرس ارتش در روز شنبه ۱۳ اسفند جمع شدند و درخواست های فرزندان از جمله خلق دفاع کردند . طبق گزارش های رسیده محمی از مادران زندانیان سیاسی قبل از اعتصاب در مقابل دادرس ارتش و در روز چهارشنبه در محله های محوطه زندان اجتماع کرده بودند و به عنوان زندان هند داده بودند که تا فرزندانشان را از زندان نجات دهند از محوطه زندان خارج نخواهند شد . زندانیان از هفته قبل به دیدار اقوامشان نمانده بودند و مادرها و عزیزان آنها سیاسی به خوبی می دانند که اعتصاب از ملاقات نشاندن اعتصاب در زندان است . اعتصاب خانوادگی زندانیان در محوطه زندان تا ساعت هفاد امتیاز است نتیجه ای حاصل نشد . اما در همین اجتماع مادران دانستند که فرزندان می بینند شان . خواسته مهم از زندان برای رسیدن به آن دست به اعتصاب زده اند . این خواسته همبستگی است :
- اعتصاب نظر در محاکمات طالعانه و عدالتی - پیوسته کیفیت خرف قابل تحلیل از زندان - آزادی ملاقات اقوام درجه دوم و ۱ و ۲ - امکان دسترس رادیو و - پایان بستن به محدودیت شد در روز و روزها هارکتابهای محوطه زندان .
در همین اجتماع مادران با یکدیگر قرار گذاشتند در شنبه ۱۳ اسفند مقابل دادرس ارتش جمع شوند و دوامت های فرزندان ایشان را با صدای بلند به گوش مردم برسانند .
آنها در محوطه مقابل در اهلی دادرس ارتش جمع شدند و فلما بدانند می خواهند بداند فرزندان ایشان حراز ملاقات اعتصاب می کنند .

گلهای و تجموعی شاه ابتدا خود در راه تقوی زده بودند و در حالی که حاضر نبودند حتی چند دقیقه به حرف حساب این مادران که تر شدند آنها را به شهربانی پاسی دادند . در لحظاتی که اجتماع کنندگان سرگردان مانده بودند که چگونه و ما چون حلصه گوش شاه آنها را بیدار می کردند تا متفرق شوند یکی از زنان با صدای تماشایی مادران فریاد کشید :
- اگر همه حرف ما می شنیدند و بخوانید ما را این شهربانی و ارتش با صدای بلند از زمین جا در خرابانهارا می افتم و هر چه در دل دارم برای مردم می گویم .
هنوز حرفی این مادر در دل تمام نشده بود که دیگری خطاب به مادران فریاد کشید :
- ما اگر بخوانیم به راحتی هزار نفر می شوم .
در همین لحظات و در حالی که صدای مادران تمام اتاق های دادرس ارتش را فتح کرده بود ، یک سرهفته به اتفاق در دفتر دیگر به میان جمعیت آمدند تا آنها را اطلاع کنند که شمار دهند و متفرق نشوند . بعد از آن که گشتار رسیدگی شود ، اما این جمله بعد از چند روز به کاروری نیفتاد و تعدادی از مادران جمله های دادرس ارتش را در میان شدت های استخوانی خود گرفتند و گفتند تا خبری حساب نشنوم بیرون از اینجا نمی روم .

اعتصاب ۱۰۰ کارگر معدن

در زیر آب

در حدود ۱۰۰ نفر از کارگران معدن ذغال سنگ زیر آب (شاه شهر) از روز سه شنبه ۱۳ اسفند اعتصاب بنهاریه او را آغاز کردند . این اعتصاب ضمن که کار شغلی معدن به پامال رسیده و کارگران لباسهای کار خود را ازین خارج کردند . آغاز شد . خواست کارگران اعتصابی ، علاوه بر مسائل مالی و انعام کاری ، توجه اساسی به وضع خدمات درمانی آنها بود . معدن کاران زیر آب مانند دیگر کارگران زیر آب (۱ و ۲) و همچنین شرکت نفت ، به همگانی میفکنند و از خدمات درمانی که شرکت های ناجورده عرضه می کنند ، استفسار می نمایند . به این ترتیب کارگران تاکنون به پزشکان معدن می مراجعه کنند در حالی که محله نیز نگاه مراکز لا یفند ، اما در حالی است . وقتی تذکراتی برای کارگران به مسئولان به جای نرسیده ، اعتصاب آغاز شد . کارگران شغل های مختلف در این اعتصاب به هم پیوسته خوردند تا به تفریح ارائه و اعتراضی خود به یازمانه . از روز شنبه ۲۱ بهمن با تکسین هائیزه به کارگران اعتصابی پیوستند و به این ترتیب این مبارزه بر شور کارگری وسعت داده و پیشتر گرفتار کارهاگاملا راهگامند .

روز شنبه ۳۰ بهمن در محله کفکهاشت ذوب آهن از تهران ها نیز شغل شد . کارگران در این هنگام توسط اموال و اندام معسرده شده بودند . اساسی در حدود ۱۰۰ نفر از کارگران که به کمان ستولان بیشتر شور و طرم طاقت داشتند و حق خواهی می کردند ، نوشتند . از کارگران خواسته شد به سر و سامان سرکار خود باز گردند اما این گزینش می بود . آنها تصمیم خود را بر ملاقات تا تحلیف خواست های خودشان گزینش کردند . بر اساس این فشاری و نیز یکپارچه به آنان قبل ابد داده شد که به سر و سامان نظر موافق تا ناماها های آنان مورد بررسی قرار خواهد گرفت و مسائل آنها حل خواهد شد . با این تفصیل و تاکید ، اعتصاب ۱۳ روز به پایان رسید . در جریان اعتصاب کارگران ، یکی از معدن کادر مدیریت که برای توجیه اعتصاب کنندگان به بازگشت به کار واداری آنها آمده بود خطاب به کارگران گفت :
- شما به سر کار برگردید و با آنقدر جاهلان را نیز مطوع کنید . با تهدید که کاری از پیش نرود .
کارگروانی فریاد زد :

- آقای مدیریت شما در سن چهل و پنجاه سالگی ، هنوز هم می فرموده و شادمانی و وفاداری ، عقیده و مایه فراموش نگاه کنید . می بینید که در سن بیست و چند سالگی برنده ام . این شرایط طاقت فرسا و غیربهداشتی و غیرانسانی که ما تحمل کرده ایم ، به جهت پیوستگی زودرسین و وفاداری است . تیغ و چاقوی در دهن و اشغال را بپوشی .
فریاد دیگر کارگران ناگهان از سر بلند شد . این صدای رسع دیده ، اما دلرانه ای بود که گوی از انگیز ۵۰ کارگران خارج می شد چرا که در آن درد مشترک و رفیق تلخ زندگی تمامی معدن کساران شمشک بود .
یکی از کارگران اعتصابی به گزارشگر "توده" گفت بود :
- ما را هم جز مبارزه نداریم . حضان ما باید به زیر بشوم . هر مبارزه فقط کشتی ازین حرفه ما بر می خورد ، آن هم فستقسی با حیزر شامبران مبارزه امروزه صدقه مبارزه فردی است . این واقعیتی است که مبارزات اعتصابی حقایق ما در طول همین دو سال اخیر را ثابت کرده است .

معدن ذغال سنگ زرباب در دامنه کوه های البرز قرار دارد و از مراکز معدن تا من گشته سوخت گراخانه ذوب آهن اعصابان است که صد هارمبارزه آزادی و استقلال کشور را به خود به اهدا کرده و با روزنه زندانیان مغوی شاه کرده) با چهره ای بر افروخته و با ایروان به میان جمعیت آمد . زنگاه پشت دندانهای به هم فشرده نشان هزاران سوزاداشتند و با چشم سربازی تیرال راه هم می دویدند ، خیلی سریع خواسته های فرزندان این زندان را مطرح کردند و منتظر پاسخ و مشت ها راه هم فشرده .
تیرال با لباسی لوزان گفت که به خواسته های زندانیان رسیدگی می کند آنها را می شنوند به اعتصابشان پایان دهد و به ملاقات بمانند .

زنگاه پس از گرفتن این قبل متفرق شدند . یکی از مادرانی که در اجتماع مقابل دادرس ارتش شرکت داشته به خبرنگار توده گفت :
- کدام می گویند ؟؟ اسفند همه ای از زندانیان را آزاد میکنند ولی زندانیان قبل از اعتصاب می گفتند صبر تلبیاتی که رایانده اند تا برای فریب است . شش جا فرزند و با چاقوی را می خواهند آزاد کنند تا به جان مردم بمانند . در زندان دستنمایش است که از

اعتصاب کارگران شرکت جی.اس.و.

در بندر شاهپور

کارگران کارگاههای شرکت جی.اس.و. در بندر شاهپور از روز ۲۶ بهمن ماه برای افزایش دستمزد خود اعتصاب یکپارچه ای را آغاز کردند . اما پس از سه روز که اعتصاب بی گذشت و نگار فرمانان خارج شرکت با کمک و پشتیبانی مستقیم ژاندارمری دولت شاهنشاهی ، گله کارگران اعتصابی را بدین پرداخت حقوق قانونی آنان اجراع کردند . اکنون روزهای شغالی است که کارگران به همان اعتراضی به اجراع میفرمایند خود در جلوی اداره کارگاه جمع می شوند و خواستار رسیدگی به وضع خود هستند اما مسئولان اداره کار به اعتراض آنها توجهی ندارند .



اکنون حدود یک سال است که شرکت جی.اس.و. در بندر شاهپور به سامتن دو خط لوله آب یکی برای آتش نشانی و دیگری جهت آب آشامیدنی بندر شاهپور مشغول است . علاوه بر آن بهمان ۳۲ دستگاه نیکوتراپی و مواد سوختنی (نظیر نفت) هم جزو کار در این شرکت است . در این شرکت بیش از هزار کارگر از این نظر که ای کارگر و سرپرست های ، زانبلدی و انعامی و مشغول کرده است کارگران ایرانی بیشتر لوله کش و سگ و تعمیر کار ماشین ها و با راننده هستند . به علاوه تعدادی کارگر ساده که بیشتر آنها از طبقات عرب و اهالی ردهای اطراف هستند در این شرکت کار می کنند . وجود کارگران غنی با هم ، در این گونه شرکتها دریا لا برین سطح آگاهی طبقاتی و مبارزات طبقاتی کارگران نقش مهمی ایفا می کند .

جز تعداد اندکی از کارگران که در سه کارگاه اصلی سرو تهیه شرکت کاری کنند ، اکثریت کارگران باید در سطوح لوله و سگ و قسمت های ریز در زیر آب کار کنند . طاق و طاق کار کنند . دستمزد کارگران ایرانی نسبت به کارگران خارجی در سطح بسیار ناخوب قرار دارد . شرکت همه گونه اهداف نسبت به کارگران روا می دارد مثلا در پرداخت حقوقی شرکت ده هزار ۱۰ تومان هجده هزار ۱۰ تومان برای کارگران تمام می شود برای کارگران که دستمزد ناچیزی می گیرند بسیار گران است .

از دیدن پیش کارگران به طور برجسته خواستار افزایش حقوقی خود شدند . کارگران می گفتند تا این شدی که شرکت ما با کار می کنند ، این حقوق ناچیز خود درستی است . روسای شرکت به مشاهده کو چکترین اظهار ناراضی و شکایتی از سوی کارگران آنها را اجراع می کردند . در هفته های اخیر کارگران پس از گفتن هادیان خود ، یک رشته کار می شده دست زدند . در نتیجه کارگران پیشتر وقت و سرکارگران خارجی هم بهمان ای سرگ اجراع کارگران نمی یافتند ، زیرا کارگران آنها به کار مشغول می شدند و به محض آن که آنها می رفتند دست از کاری می کشیدند . کم کاری دو ماه طول کشید . سرانجام کارگران در روز ۲۶ بهمن با فرار کلی به طور کامل دست از کار کشیدند . روزی در اعتصاب زانبلد ها به محوطه کارگاهها وارد شدند اما کارگران برای آن که بهمانه صوم به آنها ندهند خود را با همراجه کار مشغول داشتند . شرکت اجراع کرد کارگران اعتصابی را اجراع می کند . روز سوم کارگران در یکی از کارگاهها حین دست زدن یکی از کارگران به مخزنی وارد شد . در حین ضمن مامورانی ساواک سر رسیدند به یک کل زندان از یک کارگر سخنرا را دستگیر کرده ، با خود بردند و شرکت از همان روز گله کارگران اعتصابی را بدین پرداخت هیچ حقوقی اجراع کرد . این روزها اسفند کارگران اخباری به مشغور رسیدگی به وضع خود در جلوی اداره کار آبدان اجتماع کردند . در این میان صدای ای کارگران نیز به اجتماع اعتراضی آنها ملحق شدند . از فرجام کارگران اجراع می شود در دست نیست . اما شرکت همه از روز ۲۰ کار کرده را از طریق ماب پیشتکار ایرانی به نام حاج ابوالقاسم موسوی مدعیانه استخدا کرده است .

محدثن از کارگران اخباری در تونگی با خبرنگار توده می گفتند :
- اجراع کارگران اعتصابی کارنازای نیست ، سرماستادان همیشه به این گونه اقدامات مشغول می شوند ، اما بالاخره همه ای هستند که هر کارخانه با کارگاهی ، روزی بوش بوش اعتصاب را می اندازند .

این جاذبه کنشها و با چاقی ها تعبیر گرفته اند پس از آزادی دستمزد حتمی گروهی را تشکیل بدهند و در حزب سه فرود دستاخذ نیست نامی نگذاشتند هر دو بخ برای حمله به استقامت آزاد بخوانان به آنها نیاز بود به نوشتن کنند . حتی شایع است که به آنها می خواهند به طاق چهارم حمله به مردم به دهند . در روز توله و رخمان و لاشیت و طاق آزادی ، آزادی چه کسای سخنرا از آزادی متفرق کننده قاجاری ؟